



چهارشنبه سوری، آیینی که وارونه شده

عباس رفیعی

مثل سورو، پشت شهر، خواجه عطا اهالی این محلات بزرگ و کوچک، زن و مرد تن به زلال دریا می سپردند و نحوست ماه صفر و چهارشنبه را با هم به در می کردند. فال گوش ایستادن از دیگر آیین ها منسوخ در چهارشنبه آخر سال است. این رسم در واقع نوعی تفال برای آینده محسوب می شد.

شکستن کوزه های سفالی و بقول بندری ها (کل و بک) از دیگر مراسم مرسوم در شب چهارشنبه سوری بود صدای بشکن بشکن همراه با ترم دایره زنگی سیاه سر خپوش که دل هر رهگذری را با حرکات ریتمیک شاد می کرد دیگر فقط باید در خاطره ها جستجو کرد. خانواده ها به بالای بام رفته و کوزه های سفالی حامل نحوست و بدشگونی را از کنار رخ چین بام به کوچه پرتاب می کردند. قبل از آن در کوزه مقداری زغال

به نشانه سیاه بختی، کمی نمک به نشانه شورچشمی، سکه ای ناچیز به نشانه تنگدستی را در کوزه ای قرار داده و هر یک از اعضای خانواده کوزه را دور سر خود چرخانده و به نشانه دور شدن از نحوست سیاه بختی، شورچشمی و تنگدستی کوزه به کوچه پرت کرده تا شکسته شود. قاشق زنی که با یک قاشق فلزی یا چوبی و کاسه ای مسین یا فلزی اجرا می شد مخصوص دختران دم بخت بود و از این طریق خود را به خانواده های که دارای پسران جوان بود عرضه می کردند.



هنوز سمفونی نواختن قاشق بر بدنه کاسه ای فلزی در کوچه های شهر بندرعباس جاری است و مادرانی که به نیت دیدن عروس آینده شان در راه روی دوشیزگان باز می کردند و در کاسه آنها نقل و شیرینی و پول می ریختند هنوز چشمانشان به دنبال آنان دود می زند. اما چهارشنبه سوری این سالها به لجبازی شباهت دارد. دیگر این مراسم زیبا قلب شده است خبری از سرخی تو از من و زردی من از تو نیست و این مراسم در هیاهوی ترقه و بمب و انفجار و دود محو می شود. اما این لجبازی از کجا آغاز شد؟ حصر برگزاری مراسم ملی چهارشنبه سوری در اوایل انقلاب از سوی گروه های که با مظاهر ملی عناد داشتند و سخت گیری ها که گاهی از سوی کمیته و بعد پلیس صورت می گرفت باعث شکل گیری ترقه اندازی در بین جوانان شد. جوان که نیاز به تخلیه هیجاناتش دارد و از سویی این هیجان در قالب نصیحت بزرگان و هشدارهای همه سال پلیس با همکاری صدا و سیما در اواخر هر سال به شکل اعصاب خرد کنی سرکوب می شد شروع به لجبازی می کردند و طبع آدمی آنچنان است که از هر چیزی منع شود و به سویی می رود. «الانسان حریصا بما من منع» تز بازدارندگی تا به حال در اجرای مراسم ملی چهارشنبه سوری کارائی نداشته است پس بهتر است دست از نصیحت هر ساله کشیده و با سازماندهی مناسب در یک مکان مناسب و تهیه وسایل آتش بازی بی خطر از سودجویی های افراد فاقد صلاحیت جلوگیری کرد شخصیت دادن به جوان در تخلیه انرژی مثبت می تواند از بروز جرم و بزه های احتمالی جلوگیری کند. هر ساله مبالغه متناهی از سوی جوانان صرف خرید الکیل و سرنج به منظور تهیه بمب و ترقه می شود پولی که به جیب دلالان و چینی ها می رود و باعث آسیب دیدگی و گاهی موارد نقص عضو دائمی می شود.

آخرین چهارشنبه هر سال خورشیدی مطابق با آیین کهن، ایرانیان با تهیه بوته و خار خشک از صحرا آتش می افروزند و با آتش مقدس آلودگی و پلشتی و زنگار را از روح خود دور می کنند و با گفتن عبارت سرخی تو از من و زردی من از تو از روی آتش می پرند.

کوروش نیکنام پژوهشگر آیین باستان ایران و موبد زرتشتی و نماینده اقلیت زرتشتی در مجلس شورای اسلامی معتقد است که آیین چهارشنبه سوری در ایران باستان وجود نداشته و این رسم بعد از اسلام به آیین مربوط به نوروز اضافه شده است و ایرانیان باستان اصولاً ایام هفته نداشتند و گاه شماری ایشان به طریق دیگر بود و هر سی روز ماه خورشیدی به نامی نامبردار بود و ایام هفته یادگار اقوام سامی است.

مطابق با اسطوره های سامی و عبرانی یهوه خدای بزرگ یهودیان، زمین و افلاک و باشندگان را در هفت روز آفرید و روز هفتم که یوم سبت است به استراحت مشغول شد.

از این جهت روز شنبه یا (شنبه) روز تعطیل یهود است و شاخه ای دیگر از اقوام سامی یعنی اعراب روز شنبه را روز اول هفته می دانند چهارشنبه در نزد اعراب نحس محسوب می شود. نحوست چهارشنبه و بعد از ظهر سه شنبه در نزد بسیاری از اقوام دیده می شود.

در هرمزگان هم اعتقاد عامه بر این است که بیرون دادن سفیدی (نمک و آرد) در شب چهارشنبه باعث از بین رفتن برکت خانه می شود. حتی در مناطقی نخاله های جارو شده را از خانه بیرون نمی برند و مهمان هم نمی پذیرند و هنوز در بسیاری از محلات قدیمی در خانه را به روی افراد در شب چهارشنبه باز نمی کنند. همچنین ناخن کوتاه نمی کنند و بر این باورند که با کوتاه کردن ناخن لکه های سفید بر روی آن ظاهر می شود.

نحوست سه شنبه در نزد اقوام بلوچ شرق استان هم رایج است. بدین علت کسی نام فرزندش را سه شنبه نمی گذارد یا در بعضی از روستاها معتقدند (سه شنبه خرس هم هو باد نمی ره) - و این ضرب المثلی است در نحوست سه شنبه و واگذاری کارها تا روز سعد.

آتش افروختن در پایان سال یادگار زرتشتیان است. زرتشتیان در پنج روز آخر سال خورشیدی جهت بازگشت ارواح در گذشتگان (فروهرها) آتش می افروختند تا فروهرها به کومه های بازماندگانشان برگردند. شاید آیین آتش افروختن برای رجعت فروهرها جهت بقا نیازمند تلفیق با باورهای جدید داشت بدین منظور آتش افروختن در واپسین روزهای سال خورشیدی با باور تازیان در نحوست چهارشنبه یکی شد.

در هرمزگان نحوست چهارشنبه را با رفتن به دریا که سمبل شوری است به در می کنند جالب است که بدانید ماه صفر هم به نحوست معروف است در این ماه کمتر هرمزگانی به سفر رفته و ریسک مسافرت را می پذیرد ضرب المثلی در افواه مردم این سامان جاری است بدین مضمون که: ماهها همه خطر دارد، «بهنومی - بدنومی - صفر» دارد. با مقارن شدن چهارشنبه آخر ماه صفر چهارشنبه آخر سال خورشیدی در قدیم بخصوص محلات همجوار با ساحل